

بررسی ابعاد فقهی

همزادسازی و بدل‌سازی انسانی*

□ سیدمحسن مرتضوی^۱

□ مجتبی نوروزی^۲

چکیده

یکی از مسائل مستحدثه در حوزه مباحث مهندسی ژنتیک و علم پزشکی، مسئله تکثیر سلول‌های تلقیحی و ایجاد چندقلوهای مشابه می‌باشد که از آن به همزادسازی یاد می‌شود. امکان تکثیر غیر جنسی سلول‌های تکامل یافته جانوری - کلونینگ، دستاورد جنجال‌آفرین جهان علم در سالیان اخیر بوده است. این پژوهش به دنبال پاسخ مستدل فقهی به موضوع جداسازی سلول‌های تلقیحی در مرحله تکثیر و خارج ساختن آن‌ها از رحم و جایگزینی در رحم زن اجنبی و احکام مرتبط با آن مانند حکم از بین بردن سلول‌های تلقیحی خارج شده از رحم، خرید و فروش سلول‌های تلقیحی و نسب و هویت طفل متولد شده از راه همزادسازی می‌باشد. این مقاله مباحث استدلالی و اجتهادی مرتبط با این

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۰.

۱. طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم (mohazerat@yahoo.com).

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد (نویسنده مسئول)

(m.noruzi@quran.ac.ir).

مسئله و دیدگاه فقیهان را مورد بررسی و مذاقه قرار داده و به این نتیجه رسیده است که چون عملیات همزادسازی تضمین شده نیست و موجب به خطر افتادن سلامت جنین می‌شود، از نظر تکلیفی حرام می‌باشد. همچنین قرار دادن کاشت سلول تلقیحی در رحم زن اجنبی حرام است. در احکام وضعی نیز مثل نسب، طفلی که از راه همزادسازی متولد می‌شود، به پدر منتسب نمی‌باشد و مادر او نیز زن صاحب رحم است. همچنین خرید و فروش سلول‌های تلقیحی نیز مبتلا به اشکالات متعدد بوده و اتلاف سلول تلقیحی نیز مستلزم ثبوت دیه است.

واژگان کلیدی: سلول تلقیحی، چندقلوهای مشابه، همزادسازی، بدل‌سازی انسانی، نسب، دیدگاه فقیهان.

مقدمه

همزادسازی و تکثیر سلول‌های تلقیحی موجودات زنده، یکی از مباحث جدید و پرچالش در حوزه مباحث علم مهندسی ژنتیک و پزشکی در عصر کنونی می‌باشد. جامعه بشریت هم‌اکنون با موقعیتی خطیر، مسئله شبیه‌سازی انسان را تجربه می‌کند. هم‌اینک محققان و دانشمندان بعد از موفقیت عملیات همزادسازی و تکثیر سلول تلقیحی در حیوانات، نخستین آزمایش‌های خود را در مورد بدل‌سازی انسانی و تکثیر سلول‌های تلقیحی انسانی انجام داده‌اند و جهان بی‌صبرانه منتظر نتایج و تحقق چنین امری است؛ به طوری که اگر این عملیات با موفقیت صورت بگیرد، در آینده، جهان با کارخانه‌های آدم‌سازی و تولید نسخه‌های مشابه از هر موجود زنده روبه‌رو خواهد بود. لذا شایسته است که ابعاد گسترده این موضوع را از نگاه فقه غنی و پویای شیعه مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات اساسی است که آیا جداسازی سلول‌های تلقیحی در مرحله تکثیر و خارج ساختن آن‌ها از رحم جایز است؟ آیا می‌توان سلول تلقیحی جداشده را در رحم زن دیگری کاشت تا در آنجا رشد و پرورش پیدا کند؟ حکم از بین بردن سلول‌های تلقیحی خارج شده از رحم چیست؟ حکم خرید و فروش سلول‌های تلقیحی و نسب و هویت طفل متولدشده از راه همزادسازی چیست؟ در رابطه با پیشینه این موضوع باید گفت که چون این مسئله از مسائل جدید و

نویداست و در حال حاضر مراحل آزمایشی خود را طی می‌کند، پژوهش‌چندانی از لحاظ فقهی و حقوقی در کتب و مقالات علمی نسبت به آن دیده نشده است. تنها مقاله فقهی که به این مسئله و ابعاد مختلف آن پرداخته، مقاله‌ای با عنوان «شبه‌سازی انسان» (حائری، ۱۳۸۷: ش ۵۵) است. همچنین در فصلی از کتاب *الاستساخ بین التقنية و التشریح* نوشته سیدعلی سبزواری به برخی از مباحث این موضوع اشاره شده است. به منظور تبیین بیشتر موضوع، ابتدا به تعریف همزادسازی و کاربردهای آن و سپس حکم تکلیفی تکثیر سلول‌های تلقیحی و در نهایت برخی از احکام وضعی مترتب بر آن همانند وضعیت نسب، خرید و فروش سلول تلقیحی، دیه و... به صورت استدلالی و اجتهادی اشاره شده است.

۱. تعریف همزادسازی (تکثیر سلول‌های تلقیحی)

سلول تلقیح‌یافته زمانی که داخل رحم زن قرار داده شود، شروع به تکثیر و رشد می‌کند. ابتدا این سلول تلقیحی تبدیل به ۲ سلول، سپس ۴ سلول، بعد ۸ و ۱۶ و نهایتاً به ۳۲ سلول می‌رسد و در این زمان تکثیر متوقف می‌شود و هر یک از این ۳۲ سلول، یک عضو خاص بدن را می‌سازند. هر یک از این سلول‌ها در یک غشا و پوسته قرار دارند که داخل آن ماده سیال و هسته حاوی کروموزوم‌ها می‌باشد. پیشرفت علم به جایی رسید که در سال ۱۹۹۳ میلادی هال واستیلمن دانشمند آمریکایی در گردهمایی انجمن باروری در مونترال کانادا اعلام نمود که توانسته اولین آزمایش همزادسازی موجود زنده را با موفقیت پشت سر گذارد. اعلام این خبر، جنجالی بزرگ در مجامع علمی به پا کرد (فتاحی معصوم، ۱۳۸۴: ۹۵).

روش کار این طور بود که دانشمندان توانستند غشای سلولی را بشکافند و سلول‌های تکثیر یافته را از هم جدا کرده و هر یک را در غشای جدیدی قرار دهند؛ یعنی سلول تخم اصلی را در مرحله تقسیم و تکثیر به دو سلول، از هم جدا کرده و در غشای خاص قرار دهند که در نتیجه هر کدام از دو سلول ناشی از تقسیم اول، سلول اصلی خواهند بود و برای ایجاد ژن به تنهایی شروع به تقسیم و تکثیر می‌کنند و این وضعیتی است که به طور طبیعی در مورد دوقلوهای همسان پیش می‌آید. بعد هر کدام

از این دو سلول جدید در صورت قرار گرفتن در رحم زن و طی دوران جنینی می‌تواند انسانی مشابه دیگری ایجاد کند؛ در نتیجه دو انسان کاملاً شبیه به هم تولید می‌شود. این شیوه در حقیقت در پی ایجاد چندقلوهای همسانی است که به یک اصل منسوب هستند. همچنان می‌شود سلول جداشده دیگر را در حالت انجماد در آزمایشگاه حفظ نمود و چند سال بعد در صورت تمایل در رحم زن کاشت که در این صورت فرزندان مشابه متولد می‌شوند که هیچ فرقی با یکدیگر ندارند و تنها از لحاظ سنی با هم اختلاف دارند. همچنین هنگام تقسیم سلول تخم اصلی به چهار سلول می‌توان این چهار سلول را از هم جدا کرده و هر یک را در غشای جدید قرار داد. سپس یکی را در رحم باقی گذاشت تا مراحل تکثیر و تشکیل جنین را ادامه دهد و سه سلول دیگر را بیرون آورد و در رحم سه شخص دیگر قرار داد تا مراحل تکثیر و رشد را طی کنند که در این صورت چهار قلوهای یکسان و مشابه به وجود می‌آیند. تا این مرحله در حیوانات آزمایش شده است (اسلامی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). به این عملیات، همزادسازی یا بدل‌سازی می‌گویند که در آن چندقلوهای مشابه و یکسان به وجود خواهد آمد. در زبان عربی به این عملیات «استتام» به معنای توأم‌سازی گفته می‌شود.

۲. فواید و کاربردهای همزادسازی

دانشمندان برای عمل همزادسازی و ایجاد نسخه‌بدل‌های انسانی، فواید متعددی ذکر کرده‌اند که به برخی اشاره می‌شود:

۱- باروری و بچه‌دار ساختن زوج‌های نازا؛ برای مثال زنی که تخمک‌های او ضعیف است و نطفه و جنین در رحم او تشکیل نمی‌شود، در مرحله تکثیر اولیه سلول‌های تلقیح‌یافته، زمانی که سلول تخم به چهار سلول تقسیم می‌شود، یک سلول تخم را در رحم باقی می‌گذارند و سه سلول باقی‌مانده را بیرون آورده و در آزمایشگاه نگه می‌دارند که اگر حمل اولی موفق نبود و جنین تشکیل نشد، از سلول‌های تلقیحی بدل استفاده نمایند و آن‌ها را وارد رحم کنند. یا زوجینی که اصلاً قدرت باروری ندارند، می‌توانند با ایجاد چندقلوهای مشابه از طریق شبیه‌سازی به آن‌ها نوزاد جدید هدیه نمایند.

۲- اگر جنین در رحم مادر سقط شود یا نوزاد متولدشده بعد از مدتی بمیرد، می‌توان

از سلول تلقیحی بدل او که در آزمایشگاه نگهداری شده، استفاده کرد تا دوباره طفلی شبیه همان نوزاد اولی متولد شود و از آلام و ناراحتی‌های مادر و خانواده او کاسته شود.

۳- فرزند متولدشده از طریق همزادسازی، اگر در زندگی خود دچار بیماری‌ها و یا نقص عضو شود، با استفاده از سلول تلقیحی بدل او در آزمایشگاه و تولد او از بافت‌ها و اعضای بدنی این نسخه بدل، می‌توان برای مداوا استفاده نمود؛ به طوری که دانشمندان گفته‌اند دوقلوهای همسان می‌توانند از تمام اعضای بدن یکدیگر برای پیوند موفق اعضا استفاده کنند.

۴- فراهم آوردن مجموعه بزرگی از انسان‌های دارای ویژگی‌های وراثتی همگون به منظور اجرای بررسی‌های علمی بر روی آن‌ها.

۵- تنظیم جنس کودکان و انسان‌ها در آینده.

۶- به وجود آوردن مجموعه‌ای از افراد همسان و مشابه برای انجام مأموریت‌های خاص مثل جنگ‌ها و....

۷- به وجود آوردن نسخه جنینی همه انسان‌ها تا در صورت نیاز به آن نسخه بدل هنگام بیماری‌ها یا به منظور تجدید حیاتش از آن بهره‌برداری کرد.

۸- به وجود آوردن انسان‌های سالم برای جبران خطرهای ناشی از بیماری‌های ارثی نهفته در برخی ترکیب‌های جنسی و ژنتیکی (فتاحی معصوم، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

۳. حکم تکلیفی همزادسازی

با توجه به اینکه در عمل همزادسازی، یک سلول تلقیحی تکثیرشده را از رحم خارج کرده و سلول دیگر را در رحم برای ادامه تکثیر و رشد باقی می‌گذارند، حکم تکلیفی این عمل را از سه جهت می‌توان بررسی نمود: ۱. آیا خارج ساختن سلول تلقیح یافته از رحم زن جایز است؟ ۲. آیا این سلول خارج شده را می‌توان در رحم زن دیگر قرار داد؟ ۳. آیا سلول‌های خارج شده از رحم را می‌توان از بین برد؟

۱-۳. جداسازی سلول تلقیحی و بیرون آوردن آن از رحم

دانشمندان معتقدند که در عمل شکافتن سلول اصلی تخم به دو سلول و بیرون

آوردن یکی از آن دو، احتمال خطر و ضرر رساندن به سلول باقی مانده در رحم وجود دارد و این کار چه‌بسا موجب از بین رفتن و تضعیف آن شود؛ به طوری که نتواند تبدیل به جنین و نوزاد شود. چون از نظر علمی این عملیات تضمین شده نیست و احتمال از بین رفتن و آسیب دیدن سلول‌های تلقیحی زیاد است، انجام دادن کاری که باعث شود مبدأ پیدایش انسان از بین برود، حرام می‌باشد. در روایات متعددی بر حرمت از بین بردن نطفه انسانی تأکید شده است (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲/۵۸۲ و ۳۷۲/۱۸).

در موثقه اسحاق بن عمار، خوردن دارویی که موجب از بین رفتن نطفه شود، حرام شمرده شده است:

«عن إسحاق بن عمار قال: قلت لأبي الحسن عليه السلام: المرأة تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقى ما في بطنها. قال: لا. فقلت: إنما هو نطفة. فقال: إن أول ما يخلق النطفة» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶/۲۹)؛ اسحاق بن عمار گوید که به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: آیا زنی که از حاملگی می‌ترسد، می‌تواند دارو مصرف کند تا آنچه را در شکم دارد، سقط کند؟ فرمود: نه. عرض کردم: فقط نطفه بوده است. فرمود: نخستین چیزی که آفریده می‌شود، نطفه است.

از این روایت استفاده می‌شود که از بین بردن و بیرون آوردن و ساقط کردن چیزی که می‌تواند منشأ فرزند انسانی شود، حرام است. بنابراین چون در همزادسازی غالباً بیرون آوردن سلول‌ها موجب به خطر افتادن و ضرر رساندن به تکثیر و رشد سلول باقی مانده می‌شود و احتمال دارد نتواند تبدیل به جنین شود، از این جهت مصداق از بین بردن نطفه و منشأ پیدایش انسان بوده و حرام است. البته اگر پیشرفت علم به مرحله‌ای برسد که موفقیت عمل همزادسازی را تضمین نماید، به طوری که بیرون آوردن سلول هیچ ضرر و نقصی به سلول باقی مانده وارد نسازد، حرمتی از این جهت وجود نخواهد داشت.

۲-۳. جایگزینی سلول تلقیحی در رحم دیگر

آیا این سلول تلقیحی خارج شده از رحم را که در آزمایشگاه در شرایط مناسب نگهداری می‌شود، می‌توان در رحم زن دیگری قرار داد تا در آنجا مسیر تکثیر کامل و تشکیل جنین را سپری کند و تبدیل به فرزند شود؟

در اینجا نسبت به آن زنی که این سلول تلقیحی در رحم او کاشته می‌شود، چند فرض متصور است؛ زیرا آن زن، یا همسر صاحب سلول غیر جنسی است یا از محارم او و یا اجنبیه است.

فرض اول: زن صاحب رحم، همسر دیگر صاحب سلول غیر جنسی است. در این صورت اشکالی وجود ندارد؛ چون سلول تلقیح یافته حاوی هسته و ۴۶ کروموزوم سلول غیر جنسی شوهر اوست و تخمک گرفته شده از زن اول تهی شده و هسته آن بیرون آورده شده و به منزله غشاء و پوسته است و غشاء به منزله ماده خارجی است (فتاحی معصوم، ۱۳۸۴: ۷۵) که داخل کردن آن به رحم اشکالی ندارد. لذا مجموع این سلول فقط حاوی سلول غیر جنسی شوهر است که انتقال آن به رحم همسر دیگرش مانعی نخواهد داشت.

فرض دوم: زن صاحب رحم، از محارم صاحب سلول غیر جنسی است؛ مانند مادر، خواهر و... در این صورت دو اشکال عمده وجود دارد:

۱. انتقال و وارد کردن نطفه مرد به رحم شخصی غیر از همسرش جایز نیست و از محرمات در شریعت است؛ همان طور که در روایات به آن اشاره شده است.^۱ خود عنوان افراغ نطفه در رحم اجنبی، از محرمات در شریعت اسلامی است و انصراف این روایات به متعارف در زمان صدور نصوص که طریق مقاربت و زنا باشد، ناتمام است و آیه حفظ فرج (مؤمنون/ ۷۵؛ معارج/ ۳۱-۲۹) در رابطه با زنان هم دلالت می‌کند که رحم زن فقط می‌تواند محل قرار گرفتن نطفه شوهرش باشد و نمی‌تواند ظرف برای نطفه شخصی غیر از شوهرش قرار بگیرد. بنابراین نمی‌توان سلول تلقیحی را در رحم زنی غیر از همسر صاحب سلول غیر جنسی قرار داد؛ چون مصداق قرار دادن نطفه در رحم اجنبی خواهد شد.

۲. اگر ملاک در مادر بودن را صاحب رحم بدانیم و نه صاحب تخمک، این عمل در باب محارم موجب تحقق عناوین متعدد نسبی خواهد شد که از مستنکرات و امور قبیح در شریعت مقدس می‌باشد؛ مثلاً صاحب رحم که مادر طفل حساب می‌شود، از

۱. «عن أبي عبدالله قال: إن أشد الناس عذاباً يوم القيامة رجل أقر نطفته في رحم يحرّم عليه» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۴۱).

طرفی خواهر صاحب سلول غیر جنسی است و عمه طفل هم حساب می‌شود و پدر طفل هم از طرفی دایی او می‌شود. همین طور باعث تداخل عناوین متعدد نسبی در شخص واحد می‌شود که این امر از مستنکرات نزد متشرعه و شرع مقدس می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۲۶).

فرض سوم: زن صاحب رحم، هیچ رابطه نسبی با صاحب سلول غیر جنسی نداشته باشد و اجنبی باشد. در این صورت اشکال این است که موجب دخول نطفه و مبدأ پیدایش آدمی در رحم زن اجنبی خواهد شد که از محرمات در شریعت اسلامی می‌باشد.

یک اشکال هم در هر سه فرض این است که در نوع موارد، مستلزم نظر و لمس حرام می‌باشد؛ مگر اینکه مباشر در این عمل فقط خود صاحب سلول و همسر او باشد که فرض نادری است.

علاوه بر آن، اشکال مشترکی به هر جهت پیشین همزادسازی چه خارج ساختن سلول از رحم و چه قرار دادن این سلول در رحم دیگری شده است و آن اینکه تحقق عملیات همزادسازی و ساختن نسخه بدل‌های انسانی و چندقلوهای مشابه، باعث از بین رفتن تمایز و اختلاف بین افراد بشری خواهد شد و افراد متعددی متولد می‌شوند که از جهت خصوصیات و آثار، مشابه و عین یکدیگرند و این امر موجب اختلال نظام می‌شود؛ زیرا در باب دعاوی، معاملات، امتحانات، ادارات، آزمایشات و دیگر امور، موجب اشتباه خواهد شد.

به این اشکال جواب‌هایی داده شده است:

۱. به صورت طبیعی هم مصادیقی از همزادسازی در خارج محقق می‌شود، مثل دوقلوهای همسان، بنابراین طبق روال عادی و طبیعی نظام خلقت، این امر محقق است و اشکالی ندارد. این پاسخ خیلی دقیق نیست؛ زیرا تشابه در همزادسازی بیش از چندقلوهای همسان است. در چندقلوهای همسان، تشابه در اغلب خصوصیات است، ولی در همزادسازی یک نوع تطابق و تشابه کامل وجود دارد، لذا قابل قیاس با هم نمی‌باشند.

۲. در عملیات همزادسازی در صورتی که اطفال در یک زمان متولد شوند، مشابه و

عین یکدیگر خواهند بود و اشکال وارد است. ولی در انحاء دیگر همزادسازی که از جهت زمانی مختلف‌اند و سلول‌های نسخه‌بدل در آزمایشگاه نگهداری و در آینده متولد می‌شوند، در این صورت اطفال با یکدیگر تفاوت سنی پیدا می‌کنند؛ در نتیجه تشابه کامل محقق نمی‌شود. بنابراین این دلیل اخص از مدعاست و در همهٔ فروض کارایی ندارد.

۳. اگر عملیات همزادسازی در زمان و محیط جغرافیایی یکسان محقق شود، تشابه کامل وجود دارد، ولی اگر از لحاظ محیط جغرافیایی و مکان رشد جنین، تفاوت وجود داشته باشد، تشابه کامل محقق نمی‌شود و دانشمندان گفته‌اند که تا سه درصد اختلاف وجود خواهد داشت (اسلامی، ۱۳۸۶: ۲۳۴).

۳-۳. از بین بردن سلول‌های خارج‌شده از رحم

مسئلهٔ دیگر این است که آیا اتلاف و از بین بردن سلول‌های جداشده از رحم که در آزمایشگاه نگهداری می‌شوند، جایز است؟ آیا باید حتماً آن‌ها را در رحم زن قرار داد تا مسیر تشکیل جنین و تولد را سپری کنند؟

احتمال حرمت در اینجا وجود دارد؛ چون همان طور که قبلاً گذشت، مستفاد از روایات، حرمت از بین بردن نطفه و مبدأ پیدایش آدمی است. بنابراین سلول‌های خارج‌شده از رحم، چون قابلیت تبدیل شدن به جنین را دارند، از بین بردن آن‌ها در آزمایشگاه مصداق از بین بردن نطفه و حرام است.

ولی آیه‌الله خوبی در جواب استفتایی مرقوم داشته‌اند که از بین بردن نطفهٔ آدمی خارج از رحم مانعی ندارد:

«لا بأس بإتلاف تلك الأجنة فإن قتل الجنين المحرم إنما هو فيما إذا كان في رحم وأما في الخارج فلا دليل على حرمة إتلافه» (موسوی خویی، ۱۴۱۶: ۳۵۱/۱).

بنابراین طبق این دیدگاه، از بین بردن سلول‌های تلقیحی در آزمایشگاه اشکالی ندارد؛ زیرا آنچه حرمت دارد، از بین بردن نطفه و جنین داخل رحم است و دلیلی بر حرمت اتلاف نطفهٔ خارج رحم وجود ندارد. حق با ایشان است و مستفاد از روایات، حرمت از بین بردن نطفه‌ای است که در داخل رحم و در مسیر رشد جنین است و از

بین بردن مجرد مبدأ پیدایش انسانی که هنوز در رحم مستقر نشده باشد، حرام نمی‌باشد. دلیل بر این ادعا صحیحۀ رفاعه است:

رفاعه می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که کنیزی خریده‌ام و چه بسا به سبب فاسد شدن خون یا نفخ در رحم، خون حیض او قطع می‌شود و بعد از خوردن دارویی، همان روز خون می‌بیند، آیا این کار جایز است؛ در حالی که نمی‌دانم قطع خون به سبب حامله شدن است یا به علت دیگر؟ امام علیه السلام فرمود: این کار را نکن. عرض کردم: گاهی قطع خون او بعد از گذشت یک ماه است و اگر به سبب حاملگی بود، باید نطفه‌ای مانند نطفه مردی که عزل می‌کند، باشد. امام علیه السلام فرمود: هر گاه نطفه منعقد شده در رحم قرار بگیرد، تبدیل به لخته خون (علقه)، سپس به تکه گوشتی (مضغه) می‌شود و بعد از آن هر چه خواست خدا باشد، همان می‌شود. ولی اگر نطفه در رحم قرار نگیرد، از او چیزی خلق نمی‌شود، پس هر گاه یک ماه از قطع عادت کنیزی می‌گذرد، به او دوا نده و در زمانی که خون می‌بیند، دوا خوردن جایز است.^۱

بر اساس این روایت، هر گاه نطفه در مسیر تکامل و رشد، تبدیل به جنین شود، اتلاف و از بین بردن آن حرام است. ولی دلیلی بر حرمت مطلق مبدأ نشوء آدمی گرچه در خارج رحم باشد و در حالی باشد که رشد و تکامل آن متوقف شده است، نداریم. بنابراین از بین بردن سلول‌های تلقیحی خارج شده از رحم در آزمایشگاه اشکالی نخواهد داشت.

در رابطه با حکم تکلیفی عمل همزادسازی، برخی این عمل را با دو شرط جایز می‌دانند: اول اینکه باعث به خطر افتادن و ضرر رساندن به سلول تلقیحی و جنین باقی مانده در رحم نشود، و دوم اینکه منجر به اختلال نظام و هرج و مرج در جامعه نشود؛ به طوری که تشخیص ظالم از مظلوم، محرم از نامحرم، مدعی از منکر و... میسر نباشد (حائری، بی‌تا: ۲۵۳).

۱. «عن رفاعه قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: اشترت الجارية فربما احتبس طمئها من فساد أو ريح في رحم فتسقى دواءً لذلك فتطمئ من يومها. أفيجوز لي ذلك وأنا لا أدري من حبل هو أو غيره؟ فقال لي: لا تفعل ذلك. فقلت له: إنه إنما ارتفع طمئها منها شهرًا ولو كان ذلك من حبل إنما كان نطفة الرجل الذي يعزل. فقال لي: إن النطفة إذا وقعت في الرحم تصير إلى علقة ثم إلى مضغة ثم إلى ما شاء الله وإن النطفة إذا وقعت في غير الرحم لم يُخلق منها شيء فلا تسقها دواءً إذا ارتفع طمئها شهرًا وجزا وقتها الذي كانت تطمئ فيه» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۳۸/۲).

۴. برخی از احکام وضعی مترتب بر همزادسازی

۱-۴. انتساب

طفلی که از طریق عمل همزادسازی و تکثیر سلول‌های تلقیحی متولد می‌شود، به چه کسی منتسب و پدر و مادر حقیقی او چه کسی است؟ در اینجا باید حکم انتساب نسب پدر و مادر جداگانه بحث و بررسی شود.

۱-۱-۴. انتساب از ناحیه پدر

در همزادسازی، سلول تلقیحی و جنین از ترکیب سلول غیر جنسی با تخمک تهی شده زن تشکیل شده است. گرچه به حسب معنای لغوی، تولد به وجود آمدن شیئی از شیء دیگر است (طریحی، ۱۴۱۶: ۵۵۱/۴)، مثل اینکه می‌گویند: «إِنَّ الْحَرَارَةَ تَوْلَدَتْ مِنَ النَّارِ» (حرارت از آتش متولد شد)، در موضوع بحث نیز این طفل از همان سلول غیر جنسی متولد شده و به وجود می‌آید، ولی در موضوع نسب علاوه بر مفهوم تولد حقیقی، باید عناوین انتزاعی مثل «أب و أم» عرفاً صادق باشد تا انتساب صحیح باشد؛ در حالی که در صدق عرفی مفهوم «أب» (پدر)، تکوّن از «ماء الرجل» (سلول جنسی و اسپرم مرد) معتبر است و مجرد نشوء و مصدریت برای تحقق عنوان ولد کافی نیست. بنابراین چون در صدق مفهوم پدر، تکوّن از سلول جنسی معتبر است، لذا در همزادسازی که از سلول غیر جنسی استفاده می‌شود، مفهوم «أب» صادق نیست و طفل همزادسازی شده به پدر منتسب نمی‌باشد.

برخی از فقهای معاصر اهل سنت نیز معتقدند که در عملیات شبیه‌سازی انسانی اساساً مفهوم پدری یکسره از میان می‌رود و هیچ اثری از پدر در نوزاد شبیه‌سازی شده دیده نمی‌شود (خادمی، ۱۴۲۵: ۷۲).

۲-۱-۴. انتساب از ناحیه مادر

اگر سلول تلقیحی، به رحم همان زنی که تخمک از او گرفته شده، انتقال داده شود، در این صورت که صاحب رحم با صاحب تخمک یک نفر است، مشکلی از ناحیه انتساب به مادر نداریم و مادر این طفل همین زنی است که هم تخمک از اوست و هم

طفل از او زاییده شده است. ولی اگر صاحب رحم و صاحب تخمک دو نفر باشند، تخمک از زنی گرفته شود و با سلول غیر جنسی مردی تلقیح شود و در رحم زن دیگری قرار داده شود، در این صورت، مادر این طفل چه کسی می‌باشد؟ زن صاحب رحم که بچه از او متولد می‌شود یا زن صاحب تخمک که تخمک از او گرفته شده است؟ با توجه به ملاک‌های مادری در اینجا چهار دیدگاه موجود دارد:

۱-۲-۱-۴. دیدگاه اول

این است که ملاک مادری، صاحب رحم بودن است و مادر شخصی است که بچه را زاییده است. بر این سخن دو دلیل می‌توان اقامه کرد:

۱. به حسب متفاهم عرفی، مادر بودن به این است که جنین در رحم شخصی قرار بگیرد و از او تغذیه کند و از او هم متولد شود. بنابراین در عرف، مادر حامل جنین است و ملاک مادر بودن حمل جنین است؛ همان طور که در لغت هم آمده که «الأمّ هی الوالدة» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/۴۶۷). در ادله شرعیه هم به این حیثیت حمل جنین توجه ویژه‌ای شده و در آیات کریمه هم جایی که صحبت از مادر و لزوم احترام به مادر است، از مادر به عنوان حامل جنین یاد شده است: «حَمَلْتُهُ أُمَّهُ وَهِيَ عَلَيَّ وَهْنِي» (لقمان/۱۴) (مادرش او را با زحمت حمل کرد)؛ «حَمَلْتُهُ أُمَّهُ كَرِهًا وَوَضَعْتُهُ كَرِهًا» (احقاف/۱۵) (مادرش او را به دشواری حمل کرد و به دشواری به دنیا آورد)؛ «وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَتُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ» (نجم/۳۲) و... که در همه آن‌ها، آنچه در مفهوم مادری مورد توجه قرار گرفته، حیثیت حمل و ولادت طفل از او می‌باشد و اینکه مادر، پناه و پرورش دهنده جنین بوده است و حیثیت اخذ تخمک از او در فهم عرفی و آیات کریمه لحاظ نشده است. بنابراین همان طور که در ارتکاز و فهم عرفی نسبت به زن، حیثیت ظرفیت لحاظ شده است، در آیات کریمه و روایات هم به این حیثیت در مورد زن توجه شده است و حامل جنین و زن نگهدارنده جنین، مادر حقیقی می‌باشد.

۲. اگر از جهت فهم عرفی هم تردید وجود داشته باشد، ولی به واسطه دلیل شرعی که در مقام تعیین ملاک مادر بودن است، شک برطرف می‌شود. در سوره مبارکه مجادله در موردظهار آمده است: «الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا

اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ» (مجادله/ ۲)؛ «آنان که با زنانشان ظهار می‌کنند، آن زنان، مادران آنها حساب نمی‌شوند؛ بلکه مادرانشان کسانی‌اند که آنها را زاییده‌اند».

از این آیه مبارکه استفاده می‌شود که مادر حقیقی شخص، حامل جنین است و آن کسی است که بچه از او متولد می‌شود و ملاک در مادری، صاحب رحم بودن است. به این دیدگاه اشکالاتی شده است که باید از آنها جواب داد:

۱. در آیه شریفه تعبیر «ولدنهم» آمده است. ولادت در لغت به معنای تکون شیئی از شیء دیگر است؛ همان‌طور که گفته می‌شود: «إِنَّ الْحَرَارَةَ تَوْلَدُ مِنَ النَّارِ»؛ حرارت از آتش پدید آمد. لذا والده حقیقی صاحب تخمک می‌باشد؛ چون جنین از تخمک به وجود آمده و پدیدار شده است.

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت که عنوان ولادت در عرف به معنای زاییدن است و زمانی که این تعبیر برای زن به کار می‌رود، مراد زنی است که بچه را زاییده است که منحصرأ صاحب رحم می‌باشد و در صدق عرفی عنوان ولادت، تکون از شیء لحاظ نشده است.

۲. حصر در آیه شریفه حصر حقیقی نیست؛ بلکه حصر اضافی است. صاحب حدائق می‌گوید:

«إِنَّ الْحَصْرَ الْمَذْكُورَ فِي الْآيَةِ إِنَّمَا هِيَ إِضَافِيٌّ بِالنِّسْبَةِ إِلَى الْمِظَاهِرَةِ وَتَسْمِيَةِ الْمِظَاهِرِ لِرُؤُوسِهِ أُمَّا» (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۳/۴۴۳).

آیه مبارکه در مقام نفی توهم مردم نازل شده که خیال می‌کردند به مجرد ظهار، زن‌های آنها مادرشان می‌شوند و احکام مادری بار خواهد شد. آیه در مقام ردع آنها می‌گوید:

«همسران شما مادرانتان نمی‌شوند؛ بلکه مادران شما کسانی هستند که شما را زاییده‌اند».

پس در مقابل همسران، مادر صاحب رحم می‌باشد و حصر اضافی مراد است، نه اینکه در تمام موارد، ملاک مادری به صاحب رحم بودن است؛ حتی در موارد دوران بین صاحب تخمک و صاحب رحم. خلاصه اینکه چون حصر در آیه حقیقی نیست،

نمی‌توان از آن، ضابط و ملاک کلی مادر بودن را به دست آورد.

پاسخ این است که گرچه احتمال اضافی بودن حصر داده می‌شود، ولی وجهی برای تعیین حصر اضافی نیست؛ بلکه ظهور اولیه خطاب و تعلیل در این است که حصر حقیقی باشد و آیه شریفه در مقام اعطای یک ضابط و ملاک کلی در مورد مادر بودن است که ملاک مادری به ولادت و صاحب رحم بودن است که این کبرای کلی در موردظهار هم تطبیق می‌شود که زوجه موردظهار مادر نمی‌شود؛ چون ملاک کلی مادر بودن به ولادت می‌باشد. بنابراین می‌توان به آیه شریفه به عنوان اعطاء ضابط و ملاک کلی در مادر بودن استدلال نمود.

۲-۲-۱۴ دیدگاه دوم

ملاک مادری به صاحب تخمک بودن است و آن زنی که تخمک از او اخذ می‌شود، مادر حقیقی و شرعی طفل است. امام خمینی در بحث تلقیح مصنوعی (موسوی خمینی، بی‌تا: ۶۲۳/۲)، مقام معظم رهبری (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۳۲/۲)، سیدکاظم حائری (بی‌تا: ۲۴۶)، سیدسعید حکیم (۱۴۲۲: ۳۴۳)، منتظری (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۷: ۸۸) و فاضل موحدی لنگرانی (بی‌تا: ۹۵) قائل به این نظریه شده‌اند.

قائلان به این دیدگاه چنین استدلال کرده‌اند که ویژگی‌های ارثی از صاحب تخمک به طفل می‌رسد و همان‌طور که در ناحیه پدر، اسپرم مرد دخالت در تحقق عنوان پدری دارد، در ناحیه مادر هم تخمک زن در تحقق عنوان مادری دخالت دارد و از نظر علمی نیز طفل و جنین تشکیل شده از اسپرم مرد و تخمک زن هر دو می‌باشد. (ر.ک: مؤمن قمی، ۱۴۱۵: ۹۸).

در پاسخ به این دیدگاه می‌توان گفت که اولاً: همان‌طوری که در ذیل نظریه اول بیان شد، در مفهوم عرفی مادر حیثیت تکون از تخمک زن اخذ نشده است؛ بلکه آنچه مرتکز و ملحوظ در ذهن عرف عام نسب به مفهوم مادری است، همان حامل جنین بودن است و مادر همان والده و زن صاحب رحم است که طفل را زاییده و بچه از او متولد می‌شود. همین‌طور در آیات و روایات هم از مادر به عنوان حامل جنین یاد شده است.

ثانیاً: حتی اگر در بحث تلقیح مصنوعی ملاک مادری را به صاحب تخمک بودن بدانیم، ولی در بحث شبیه‌سازی و همزادسازی نمی‌توانیم مادر را صاحب تخمک بدانیم؛ چون در عملیات شبیه‌سازی، تخمک زن از هسته و سیتوپلاسم خود تهی شده و همهٔ کروموزوم‌های آن که حاوی ژن‌های وراثتی است، خارج شده است. لذا تخمک زن فقط به منزلهٔ قشاء و پوسته است و دخالتی در تکوین جنین جز از باب ظرف و محل بودن ندارد. به تعبیر دیگر در اینکه ملاک مادری صاحب تخمک باشد، دو ویژگی معتبر است: یکی ارأئهٔ تخمک و دوم نقش داشتن تخمک در خاصه‌های ژنتیکی فرزند، و در شبیه‌سازی و همزادسازی شرط دوم مفقود است. لذا نمی‌توان قائل شد که مادر طفل شبیه‌سازی شده، آن زنی است که تخمک از او گرفته شده است (مرتضوی، ۱۳۹۵: ۱۴۷).

۳-۲-۱۴. دیدگاه سوم

ملاک در مادر بودن، صاحب رحم و صاحب تخمک بودن با هم است و هر دو خصوصیت در صدق عنوان مادری باید وجود داشته باشد. لذا در مواردی که صاحب رحم و صاحب تخمک تغایر دارند و دو نفر می‌باشند، هیچ کدام مادر نمی‌باشد؛ چون آنچه در ازمئهٔ سابق محقق بوده، این است که مادری کسی است که صاحب رحم و تخمک باشد و این دو یکی بوده و یک مصداق داشته است و تمام ادله‌ای که احکام مادری را بیان کرده، مقصود همان شخص بوده که هم صاحب رحم بوده و هم صاحب تخمک (حسینی سیستانی، ۱۴۲۸: ۴۲۲).

اشکال این دیدگاه آن است که گرچه مصداق مادر در ازمئهٔ گذشته شخصی بوده که هم صاحب تخمک و هم صاحب رحم بوده است، ولی وجود خصوصیات متعدد در ازمئهٔ سابق، مقومات مفهوم مادر را تعیین نمی‌کند؛ بلکه باید بینیم عرف کدام یک را ملاک مادری می‌داند. اگر به حسب استظهار عرفی، یکی از آن دو را به عنوان ملاک مادری انتخاب و تقویت نمودیم، دیگر نوبت به این دیدگاه سوم نخواهد رسید.

۴-۲-۱۴. دیدگاه چهارم

بر هر یک از صاحب تخمک و صاحب رحم عنوان مادری صادق خواهد بود؛

چون تخمک از یکی و پرورش از دیگری است. لذا این طفل دو مادر خواهد داشت و احکام مادری مثل حرمت ازدواج شامل هر دو مادر می‌شود و نسبت به حق حضانت مادر نیز به تناوب عمل خواهد شد. از مراجع معاصر، موسوی اردبیلی این نظریه را قبول نموده است. ایشان در جواب استفتایی چنین مرقوم داشته است:

«طفلی که به طریق مذکور متولد شود، به مادر صاحب تخمک و به مادری که طفل در رحم او پرورش یافته، ملحق می‌شود؛ یعنی این بچه، دو مادری محسوب می‌شود و به هر دوی این زن‌ها احکام مادری تعلق پیدا می‌کند» (موسوی اردبیلی، ۱۳۷۷: ۴۰۷/۱).

دلیل دیدگاه چهارم این است که ادله و نصوص شرعیه نسبت به مفهوم مادری دو نوع‌اند: در یک قسم ادله، از مادر به عنوان حامل جنین یاد کرده و بر حیثیت صاحب رحم بودن و ولادت طفل از او توجه شده است؛ مانند آیات شریفه «حَمَلْتَهُ أُمُّهُ وَهِنًا عَلٰی وَهْنٍ» (لقمان/۱۴)؛ «حَمَلْتَهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا» (احقاف/۱۵) و «وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَتٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ» (نجم/۳۲) و روایاتی که در دیدگاه اول به آن‌ها اشاره شد.

و در قسم دیگر ادله شرعیه به حیثیت تکون از تخمک زن (ماء المرأة) توجه شده است؛ مثل آیه شریفه «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ» (دهر/۲) (ما انسان را از نطفه مخلوط [اسپرم مرد و تخمک زن] خلق نمودیم) یا «الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء/۱) که از زن و مرد (نطفه آن‌ها) افراد دیگر متولد می‌شوند و روایت «اخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْخَالَ أَحَدَ الضَّجِيعِينَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۸/۲۰) و «تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْأَبْنََاءَ تَشْبَهُ الْأَخْوَالَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۹۰/۱۰)؛ چون طفل خصوصیات وراثتی و زن‌ها را از مادرش اخذ می‌کند، شبیه دایی‌اش می‌شود، پس «ماء المرأة» و تخمک زن، تأثیر در طفل دارد و در مفهوم مادری فقط حیثیت ظرفیت مورد لحاظ نیست؛ بلکه حیثیت تکون طفل از تخمک او هم لحاظ شده است.

بنابراین با توجه به اینکه برخی از ادله شرعی در مفهوم مادری به حیثیت حامل جنین بودن توجه کرده‌اند و در برخی حیثیت تکون از «ماء المرأة» و صاحب تخمک بودن لحاظ شده است، در نتیجه تحقق مفهوم مادری هر یک به تنهایی کفایت می‌کند و بر هر کدام از صاحب رحم و صاحب تخمک عنوان مادری صادق است.

این دیدگاه دارای دو اشکال است:

۱. در آیات شریفه در توصیف مادر که به صفت حمل و وضع طفل اشاره شده و صفات خاصی را برجسته کرده است، دلالت ندارد که ملاک مادری، حمل و صاحب رحم بودن است. همچنین از آیات ذکرشده در قسم دوم هم اگر بپذیریم که در مقام بیان تأثیر «ماء المرأة» و تخمک زن در طفل می‌باشد، ولی نمی‌توان از آن‌ها استظهار کرد که ملاک مادر بودن به صاحب تخمک بودن فقط است. لذا از این ادله شرعی نمی‌توان ملاک مادری را کشف نمود؛ بلکه مهم همان استظهار عرفی و فهم عرف در ملاک مادری است که قبلاً به آن اشاره شد.

۲. اگر بپذیریم که دو قسم از ادله در بیان ملاک مادری داریم، مقتضای جمع بین ادله، این نمی‌شود که تحقق هر یک کافی است؛ بلکه باید بگوییم اجتماع هر دو برای تحقق عنوان مادری لازم است که همان دیدگاه سوم خواهد شد؛ یعنی مادر کسی است که هم تخمک از او گرفته شود و هم بچه از او زاییده شود.

همچنین آیات عظام اراکی (۱۳۷۳: ۲۵۰) و سیستانی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیه‌الله سیستانی، بخش استفتانات) قائل به احتیاط شده و گفته‌اند نسبت به ترتب احکام مادری بین صاحب تخمک و صاحب رحم رعایت احتیاط شود. دلیل این احتیاط آن است که علم اجمالی به وجود می‌آید که یکی از این دو زن صاحب رحم و صاحب تخمک، مادر است، لذا نسب به احکام لزومیه مثل حرمت نکاح و وجوب انفاق و... نسبت به هر دو طرف باید احتیاط نمود.

۴-۲-۵. دیدگاه مختار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از بررسی نصوص و ادله مختلف می‌توان به این نتیجه رسید که حق در این مسئله، دیدگاه اول است. زیرا ملاک در مادر بودن به مقتضای فهم عرفی و ادله شرعی، ولادت و صاحب رحم بودن است. آیه‌الله خوئی هم در جواب استفتایی، ملاک در مادری را ولادت و صاحب رحم بودن معین نموده و چنین مرقوم داشته است:

«زنی که نطفه در رحمش قرار گرفته، مادر شرعی بچه است. مادر کسی است که بچه را به دنیا می‌آورد؛ چنان که کلام خدا این گونه اقتضاء دارد: «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدَتْهُنَّ» (مجادله/ ۲)؛ کسانی که با زنانشانظهار می‌کنند، این زنان مادرانشان نیستند. مادرانشان فقط زنانی هستند که آن‌ها را

زاییده‌اند» (موسوی خویی، ۱۴۱۲: ۹۹).

همچنین آیات عظام تبریزی (۱۴۲۷: ۲۸۰/۹) و سیدمحمد شاهرودی در بحث تلقیح مصنوعی، ملاک مادری را صاحب رحم بودن دانسته‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی آیه‌الله شاهرودی، بخش استفتائات).

۳-۱-۴. نسب خواهری و برادری بین اطفال شبیه‌سازی شده

بحث دیگر در باب نسب اطفال همزادسازی شده، اینکه آیا بین این اطفال که از طریق عملیات همزادسازی متولد شده‌اند و بین این چندقلوهای مشابه، نسب خواهری و برادری صادق است؟

بدیهی است که در صدق عنوان «أخ» و «أخت»، انتساب به پدر و مادر تأثیر دارد. لذا بستگی به این دارد که در بحث گذشته، انتساب به پدر و مادر را پذیرفته باشیم یا خیر؟ اگر این اطفال شبیه‌سازی شده از سلول جنسی و اسپرم مرد واحدی به وجود آمده باشند، انتساب به پدر ثابت است؛ در نتیجه برادر و خواهری از ناحیه پدر با هم دارند. ولی اگر از سلول غیر جنسی شخصی به وجود آمده باشند، انتساب به پدر منتفی خواهد بود؛ در نتیجه برادر و خواهر پدری نمی‌شوند. در ناحیه برادر و خواهر مادری بودن اگر ملاک مادری را به صاحب رحم بودن بدانیم، همه این اطفال به تناوب از رحم یک زن متولد شده باشند، طبعاً برادر و خواهر مادری می‌شوند؛ ولی اگر از رحم زن‌های متعدد متولد شده باشند، مادر مشترک نخواهند داشت، لذا برادر و خواهر مادری نمی‌شوند. همچنین اگر ملاک مادری را به صاحب تخمک بودن بدانیم و در تولد همه این اطفال از تخمک یک زن استفاده شده باشد، آن زن مادر مشترک آن‌ها می‌شود و برادر و خواهر مادری خواهند شد. اگر عنوان برادر و خواهر پدری و مادری بین آن‌ها محقق نشود، با یکدیگر اجنبی حساب می‌شوند و جواز نکاح بین آن‌ها ثابت می‌شود.

۲-۴. خرید و فروش سلول‌های تلقیحی برای عملیات همزادسازی

آیا سلول تلقیحی تکثیر یافته در رحم را می‌توان به متقاضیان باروری فروخت؟ همان طور که در بحث شبیه‌سازی گذشت، نسبت به خرید و فروش سلول‌های

تلقیحی، اشکالات سه گانه وجود دارد:

۱. سلول تلقیحی از اعضای بدن انسان به شمار می‌رود و انسان مالک اعضای بدن خویش نیست تا بتواند آن‌ها را بفروشد؛ در حالی که ملکیت مبیع یکی از شرایط صحت بیع است: «لا بیع إلا فی ملک» (احسائی، ۱۴۰۵: ۲/۲۴۷). همچنین در اینجا اخذ پول در مقابل رفع ید از حق اختصاص شخص نسبت به سلول که بازگشت به هبه مشروطه دارد، نیز صحیح نمی‌باشد؛ چون این حق اختصاص قابل انتقال به دیگری نمی‌باشد؛ زیرا با نهی شارع که فرزنددار شدن دیگران از این سلول تکثیر یافته را منع نموده است، انتقال این حق به دیگران معنا ندارد (مرتضوی، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

۲. گرچه سلول‌های تلقیحی متقاضی و خواهان دارد، ولی شارع مقدس منافع مقصوده از آن را مورد نهی و منع خود قرار داده و اجازه استفاده از این سلول‌ها را جهت باروری و فرزنددار شدن نداده است. بنابراین با توجه به تحریم منفعت مقصوده آن، مالیت سلول تکثیری الغاء شده است؛ در نتیجه فروش آن به خاطر عدم مالیت مبیع باطل است (ر.ک: همو، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

۳. با بیرون آوردن سلول تکثیر یافته از رحم، عنوان جزء جدا شده از بدن انسان صادق می‌شود و فقها قائل شده‌اند که جزء جدا شده از بدن انسان زنده نجس می‌باشد (فاضل موحدی لنگرانی، بی‌تا: ۲۱۵) و خرید و فروش اعیان نجس جایز نیست. البته در جای خود در فقه بیان شده که مجرد نجاست، مانع از صحت بیع نیست (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۵: ۳۳/۱)؛ بلکه صحت بیع تابع وجود منفعت عقلاییه است. بنابراین عمدۀه، اشکال دوم است که با تحریم شارع، منفعت و مالیت سلول‌های تلقیحی الغاء شده است. نتیجه اینکه خرید و فروش سلول‌های تلقیحی جایز نیست.

بحث قابل طرح دیگر اینکه بعد از تولد اطفال همزادسازی شده آیا می‌توان این اطفال را به خانواده‌هایی که فرزنددار نمی‌شوند یا مراکزی که متقاضی هستند، فروخت یا خیر؟

در این رابطه، اشکال عمدۀه این است که مالک شدن نسبت به موجود زنده سبب مملک می‌خواهد (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳: ۴/۲۱۰) و حال آنکه کسی نمی‌تواند مالک انسان زنده دیگری شود و او را در معرض خرید و فروش قرار دهد؛ در حالی که

قوام خرید و فروش و صحت بیع به مالکیت مبیع می‌باشد. بنابراین چون طفل شیبه‌سازی شده انسان حرّ و آزادی است که ملک کسی نمی‌باشد، قابل خرید و فروش نیست. همچنین چون حق اختصاص نسبت به طفل متولدشده هم قابل تصور نیست، هبة مشروط از باب رفع ید از حق اختصاص و اخذ پول بدین صورت هم جایز نخواهد بود، چون انسان زنده، متعلق حق اختصاص و سلطنت کسی قرار نمی‌گیرد.

۳-۴. ثبوت دیه در اتلاف سلول‌های تلقیحی

بعد از تلقیح سلول غیر جنسی با تخمک تهی شده از هسته و قرار دادن آن در رحم، این سلول تلقیحی شروع به تقسیم و تکثیر می‌کند. در این مراحل تقسیم و تکثیر، از نظر حکم تکلیفی ذکر گردید که از بین بردن و اتلاف این سلول‌های تکثیرشده جایز نیست. حال حکم وضعی آن مورد بحث است که آیا از بین بردن این سلول‌ها مستلزم ثبوت دیه می‌باشد یا خیر؟

به حسب مستفاد از روایات (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۹/۲۹) و کلمات فقها (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴: ۳۶۸/۴۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۱/۴۶۲)، از بین بردن نطفه‌ای که در مسیر تبدیل به جنین قرار گرفته، دیه دارد. بنابراین از بین بردن سلول‌های تکثیرشده، حکم از بین بردن نطفه در رحم را دارد که دیه ثابت در آن، ۲۰ دینار شرعی است. در روایت ابن مسکان از امام صادق ع آمده است:

«دیه الجنین خمسة أجزاء؛ خمس للنطفة عشرون دينارًا وللعلقة خمسان أربعون دينارًا وللمضغة ثلاثة أخماس ستون دينارًا...» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۹/۲۹)؛ دیه جنین پنج قسمت می‌شود: خمس آن مربوط به از بین بردن نطفه است که در آن بیست دینار ثابت می‌شود. دو خمس آن مربوط به از بین بردن علقه است که چهل دینار ثابت می‌شود و سه خمس دیگر آن مربوط به از بین بردن حالت مضغه است که شصت دینار می‌شود....

بنابراین با توجه به این روایت، سلول‌های تکثیر یافته در رحم چون در مسیر تشکیل جنین قرار گرفته و قابلیت تولد آدمی را پیدا کرده‌اند، هر کاری که موجب از بین بردن آن‌ها شود، مستلزم ثبوت دیه می‌شود که دیه آن ۲۰ دینار شرعی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

۱. در رابطه با حکم تکلیفی تکثیر سلول‌های تلقیحی و خارج ساختن برخی از آن‌ها در مرحله تکثیر از رحم و باقی گذاشتن یک سلول تلقیح‌یافته در رحم، چون این عملیات تضمین‌شده نیست و موجب به خطر افتادن سلامت سلول تلقیحی و جنین داخل رحم می‌شود، این کار جایز نمی‌باشد؛ زیرا مصداق از بین بردن نطفه و مبدأ پیدایش آدمی می‌باشد.
۲. همچنین قرار دادن سلول‌های تلقیحی جداشده، در رحم شخص اجنبی حرام است؛ زیرا به مقتضای نصوص معتبر، رحم هر زنی فقط ظرف و وعاء نطفه همسرش می‌تواند باشد.
۳. از بین بردن سلول‌های تلقیحی در آزمایشگاه اشکالی ندارد؛ زیرا آنچه حرمت دارد، از بین بردن نطفه و جنین داخل رحم است و دلیلی بر حرمت اتلاف نطفه خارج رحم وجود ندارد.
۴. در بحث احکام وضعی طفلی که از راه همزادسازی متولد می‌شود، ذکر گردید که این طفل پدر ندارد؛ زیرا از نطفه و سلول جنسی متولد نشده است. در رابطه با انتساب به مادر نیز اگر سلول تلقیحی به رحم همان زنی که تخمک از او گرفته شده، انتقال داده شود، در این صورت که صاحب رحم با صاحب تخمک یک نفر است، مشکلی از ناحیه انتساب به مادر نداریم. ولی اگر صاحب رحم و صاحب تخمک دو نفر باشند، تخمک از زنی گرفته شود و با سلول غیر جنسی مردی تلقیح شود و در رحم زن دیگری قرار داده شود، در این صورت، چهار دیدگاه مطرح شد که دیدگاه اول که ملاک در مادر بودن را بر اساس فهم عرفی و ادله شرعی ولادت، صاحب رحم بودن می‌دانست، مورد تأیید قرار گرفت. اثبات نسب خواهری و برادری بین اطفال شبیه‌سازی شده نیز تابع پذیرش انتساب به پدر و مادر است.
۵. خرید و فروش سلول‌های تلقیحی به جهت ابتلا به اشکالات سه‌گانه حرام است.
۶. فروش اطفال همزادسازی شده به خانواده‌هایی که فرزنددار نمی‌شوند یا مراکزی که متقاضی هستند، جایز نمی‌باشد.

۷. دیه در اتلاف سلول‌های تلقیحی به حسب استفاد از روایات و کلمات فقها ثابت است. بنابراین از بین بردن نطفه‌ای که در مسیر تبدیل به جنین قرار گرفته، حکم از بین بردن نطفه در رحم را دارد که دیه ثابت در آن، ۲۰ دینار شرعی است.



کتاب‌شناسی

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲. احسائی، ابن ابی جمهور، *عوالی الثالی*، قم، دار سیدالشهداء علیه السلام، ۱۴۰۵ ق.
۳. اراکی، محمدعلی، *استفتانات*، قم، معروف، ۱۳۷۳ ش.
۴. اسلامی، سیدحسین، *شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ ش.
۵. انصاری، مرتضی، *المکاسب*، قم، کنگره شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق.
۶. بحرانی، یوسف، *الحدائق الناظره*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۷. تبریزی، جواد، *صراط النجاة*، قم، دار الصدیقه، ۱۴۲۷ ق.
۸. حائری، سیدکاظم، *الفتاوی المنتخبه*، قم، دفتر معظم‌له، بی تا.
۹. همو، «شبیه‌سازی انسان»، *مجله فقه اهل بیت علیهم السلام*، قم، شماره ۵۵، پاییز ۱۳۸۷ ش.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، *اجوبه الاستفتانات*، قم، دفتر معظم‌له، ۱۴۲۴ ق.
۱۲. حسینی سیستانی، سیدمحمدرضا، *وسائل الانجاب الصناعیه*، بیروت، دار المورخ العربی، ۱۴۲۸ ق.
۱۳. حکیم، سیدمحمدسعید، *مرشد المغترب، توجیحات و فتاوی*، نجف، دفتر معظم‌له، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. خادمی، نورالدین مختار، *الاستسناخ البشری بدعة العصر*، بیروت، دار وحی القلم، ۱۴۲۵ ق.
۱۵. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، چاپ سوم، تهران، مرتضوی، ۱۴۱۶ ق.
۱۶. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، *احکام پزشکان و بیماران*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، بی تا.
۱۷. فاضل هندی، محمد، *کشف اللثام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۱۸. فتاحی معصوم، سیدحسین، *مجموعه مقالات سومین همایش دیدگاه‌های اسلام در پزشکی*، مشهد، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۱۳۸۴ ش.
۱۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. مرتضوی، سیدمحسن، *شبیه‌سازی انسان در آینه فقه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۵ ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، *مشکلات مهم تلقیح مصنوعی*، قم، مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۹۴ ش.
۲۲. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، *احکام پزشکی*، چاپ سوم، قم، سایه، ۱۴۲۷ ق.
۲۳. مؤمن قمی، محمد، *کلمات سدیدیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، *استفتانات*، قم، نجات، ۱۳۷۷ ش.
۲۵. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *تحریر الوسیله*، قم، دار العلم، بی تا.
۲۶. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، *صراط النجاة*، قم، المنتخب، ۱۴۱۶ ق.
۲۷. همو، *مسائل وردود*، قم، دار الهادی، ۱۴۱۲ ق.
۲۸. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۲۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود، *موسوعه الفقه الاسلامی*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۳ ق.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی